یادداشت‌های خبرنگار مستعفی

یک هفته با موسیو ابراهیم و اشمیت

لیلی فرهادپور

● احتمالا همه اسم امانوئل اشمیت را شنیده‌ایم. به‌هرحال «خرده‌جنایت‌های زناشویی»اش به شکل تئاتر تلویزیونی بارها از این رسانه پخش شده و بسیاری از ماهواره‌بین‌ها را هم به سوی کانال‌های داخلی جلب کرده است. نمایش‌نامه‌های «عشق‌لرزه» و «مهمانسرای دو دنیا» و رمان‌های «زمانی که یک اثر هنری بودم» و «سوموکاری که نمی‌توانست تنومند شود» هم فروش چشمگیری داشته‌اند. من «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن»اش را نخوانده بودم. شنیدم علیرضا کوشک‌جلالی، کارگردان نام‌آشنا میان اهالی تئاتر که گویا مقیم آلمان است و البته فعالیت‌های هنری بسیاری را در کارنامه خود دارد، این نمایش را با بازی اشکان خطیبی و رضا مولایی در تماشاخانه خصوصی کنش معاصر بر صحنه برده است و به این بهانه هفته پیش فیلم سینمایی فرانسوی «موسیو ابراهیم» در مجموعه چارسو به نمایش گذاشته شد و به این بهانه‌ها من نشستم و واو به واو این داستان را خواندم. بعد دیدم گیر کردم تو موسیو اشمیت و یکی‌یکی کتاب‌هایش را ورق زدم و دانلود کردم و خریدم و خلاصه یک‌هفته‌ای است که گیر کرده‌ام در باب این نویسنده فرانسوی معاصر که چندان پیر نشده و فرهنگی‌های فرنگ‌رفته شانس این را داشته‌اند در رونمایی کتاب‌ها یا در محفل‌هایی او را ببینند. می‌گویند کمی کج‌اخلاق است. گناهش بر گردن راویان. حتی شنیده‌ام یکی از نمایش‌نامه‌نویسان وطنی وقتی به دیدار او رفته و با افتخار گفته که از نمایش‌نامه‌های او برداشت‌هایی داشته و نمایش‌نامه‌هایی براساس آن نوشته است، جناب اشمیت با عصبانیت بر این نمایش‌نامه‌نویس ایرانی تاخته که چه حقی داشتی بدون اجازه و کپی‌رایت چه می‌شود؟ از آنجایی که من یکی از معدود طرفداران ضدکپی‌رایت هستم، بعد از شنیدن این خاطره، کلی اشمیت از چشمم افتاد. راستش به نظر من نگاهِ به شرق اشمیت است که برای ما ایرانی‌ها این نویسنده غربی را جذاب کرده است. اشمیت دنیایی فانتزی خلق می‌کند که خیلی وقت‌ها معناگرایی شرقی در آن بیشتر جواب می‌دهد تا مادی‌گرایی غربی. برگردیم به «موسیو ابراهیم» و مواجهه با خوانش‌هایی که این هفته از این داستان داشته‌ام. هنوز هم مانند سابق بر این عقیده‌ام که هیچ خوانشی نمی‌تواند کامل‌تر از اصل متن نوشتاری از یک داستان باشد؛ نه اجرا و نه تصویر. شاید معدود فیلم‌هایی بالاتر از متن قرار گیرند. «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن» به نظر من از آن متن‌هایی است که از فیلم و اجرا بیرون می‌زند. مگر آنکه متن را نخوانده باشید. آن‌موقع است که اجرا برایتان شگفت‌انگیزتر می‌شود. آنجاست که درمی‌یابید علیرضاخان کوشک‌جلالی از آن کارگردان‌هایی است که مسائل عمیق اجتماعی را به زبانی بیان می‌کند که برای نسل‌های مختلف درک‌شدنی باشد و بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، چراکه به اعتقاد او تئاتر باید با توده مردم ارتباط برقرار کند و حرفی برای گفتن داشته باشد؛ برای همین وقتی خودش به متنی برخورد می‌کند که چنین ویژگی‌هایی دارد، از آن دست برنمی‌دارد. گویا کوشک‌جلالی اولین‌بار ۱۰ سال پیش این نمایش را در سالن سایه تئاتر شهر با بازی بهزاد فراهانی و هومن برق‌نورد روی صحنه برده است. مطمئنا هنگامی که اشمیت این داستان را در سال ۲۰۰۱ نوشت، به ذهنش هم خطور نمی‌کرد که دو سال بعد این اثر به وسیله یک کارگردان فرانسوی روی پرده سینما برود و در سال ۲۰۰۶ به وسیله یک کارگردان ایرانی در سالن تئاتری ایرانی اجرا شود. البته کوشک‌جلالی همان‌موقع در مصاحبه‌ای گفته است که در سال ۲۰۰۳ به طور اتفاقی با این رمان اشمیت آشنا می‌شود و فورا تصمیم می‌گیرد براساس آن نمایش‌نامه‌ای بنویسد و آن را با دو پرسوناژ روی صحنه ببرد. همان سال کوشک‌جلالی این نمایش را در آلمان روی صحنه برده و نمایش‌نامه‌اش اثر برگزیده سال ۲۰۰۳ آلمان شده است، این در حالی است که فیلم سینمایی موسیو ابراهیم در همان سال با بازی عمر شریف ساخته می‌شود و عمر شریف برایش جایزه سزار و جایزه تماشاگران فستیوال ونیز را برای بهترین بازیگر می‌گیرد. موسیو ابراهیم داستان رابطه عجیب بین یک پسر ۱۳ساله یهودی و یک پیرمرد بقال ترک مسلمان عارف‌مسلک در قلب محله فقیرنشین شهر پاریس میان عشرتکده‌ها در دهه ۶۰ است. تمام این نشانه‌ها نمایانگر داستانی است که در میان تضادهای جامعه‌ای در حال گذار با مردمانی درحاشیه‌مانده می‌گذرد و رابطه دوستانه و انسانی بین این دو نفر و بین همه آدم‌های این محله به غیر از رابطه پر از رنج پدر «مومو» با پسرش جهانی دیگر را برای ما ترسیم می‌کند. اما نکته گردش این هفته من در لابه‌لای خوانش «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن» متأسفانه باز هم به سانسور رسید. سانسورهایی تأسف‌آور و گاه توجیه‌نشدنی. اینکه در فیلم موسیو ابراهیم عشرتکده‌ها را حذف کنند، سانسوری پذیرفتنی و رایج است؛ به‌هرحال شئونات باید حفظ شود ولی اینکه در نمایش دیالوگ عجیب و به‌یادماندنی مومو که می‌گوید مسجد بوی پا می‌دهد و موسیو ابراهیم می‌گوید مسجد بوی انسان می‌دهد، چون جایی برای آدم‌هاست؛ بوی پا بشود بوی گلاب! نه تقصیر کوشک‌جلالی است، نه تقصیر من مخاطب و نه تقصیر بازیگر. پیدا کنیم پرتقال‌فروش را.

فروش یک‌میلیون دلاری «محمد (ص)» در سینمای ترکیه

لیرهای ترکیه به ایران رسید

شرق: وب‌سایت «باکس‌آفیس ترکی» مجموع فروش فیلم محمد (ص)، ساخته مجید مجیدی را بعد از ۱۰ روز به رقم سه‌میلیون‌و ۷۷۱ هزار لیر (معادل یک‌میلیون‌و ۱۸۶ هزار دلار) اعلام کرده است. رقمی چشمگیر که می‌تواند برای اکران خارجی فیلم‌های ایرانی نویدبخش باشد. این روزها قیمت دلار در بازار حدود سه‌هزارو ۶۰۰ تومان است، فیلم «محمد رسول‌الله» به مدت ۱۰ روز اکران در ترکیه بیش از چهارمیلیاردو ۲۶۹ هزار تومان فروش کرده است، اما کل درآمد این فیلم در ایران پس از ۹ ماه نمایش، حدود ۱۶ میلیارد تومان بوده است. همچنین این فیلم پس از ترکیه در چند کشور دیگر ازجمله روسیه هم اکران خواهد شد. اگر به همین نسبت فروش آن در دیگر کشورها هم تداوم داشته باشد، می‌توان به بازگشت سرمایه‌اش امیدوار بود چون برای تهیه این فیلم حدود ۴۰ میلیون دلار هزینه شده است که درواقع گران‌ترین فیلم تولیدی در تاریخ سینمای ایران است. فیلم محمد(ص) در تهران در ۴۰ سالن سینما به نمایش درآمد. براساس جدول باکس‌آفیس ترکی، ۴۰۰ سینمای ترکیه «محمدرسول‌الله» را به نمایش گذاشته‌اند. این تعداد سینما هم خبر از عقب‌ماندن سینمای ما نسبت به کشورهای منطقه می‌دهند که ما در این ۴۰ سال کمتر سینما ساخته و آن داشته‌های قبلی را نیز به مرور زمان از دست داده‌ایم.

اطبایی چه می‌گوید؟

محمد اطبایی، پخش‌کننده بین‌المللی و کارشناس فیلم است. او با ذکر اینکه نمایش فیلم محمد(ص) را در ترکیه باید «اکران» محسوب کنیم، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «معمولا خیلی از دوستان راجع به نمایش‌های خارج از کشور اغراق و حتی از لفظ اکران استفاده می‌کنند. خیلی روشن است که یک تک‌نمایش در شهری از آلمان، انگلیس، کانادا و آمریکا اکران محسوب نمی‌شود. اکران برای فیلم محمد (ص) گسترده است یا اینکه اکران فیلم «فروشنده» در فرانسه گسترده خواهد بود. در اینجا نکته‌ای هست و رسانه‌های ایران چندان به آن توجه ندارند؛ برای مثال می‌نویسند فلان فیلم در فلان شهر فروشش تکان‌دهنده بود. در این نمایش‌ها اغلب بین صد تا ۲۰۰ نفر ایرانی به تماشای فیلم می‌نشینند که دیگر مفهوم اکران را دربر نخواهد گرفت، اما فروش محمد (ص) در واقعیت امر اکران فیلم است. او اظهار امیدواری می‌کند که برای فیلم‌های دیگر ایران نیز این اتفاق بیفتد که متأسفانه خیلی کم می‌افتد.

منیژه حکمت و توصیه به نگاه یکسان

منیژه حکمت، فیلم‌ساز و تهیه‌کننده، اکران و موفقیت فیلم محمد (ص) در ترکیه را یک اتفاق میمون ارزیابی می‌کند. او دراین‌باره می‌گوید: «ما همیشه مشکل اکران داریم. ما همواره در فستیوال‌ها موفق هستیم، اما در اکران با معضلات عدیده‌ای روبه‌روییم. ای‌کاش بتوانیم در خاورمیانه و آسیا به اکران و بعد بتوانیم به بازارهای دیگر جهان هم برسیم. این اتفاق نیازمند سرمایه‌گذاری است و برای پخش فیلم‌های ایرانی باید نگاه یکسانی باشد تا فیلم‌های باکیفیت ایرانی امکان اکران در خاورمیانه و آسیا را بیابند. برای این کار نیازمند تبلیغات و سرمایه‌گذاری کلان هستیم که متأسفانه بخش خصوصی چنین توانی ندارد و باید بخش دولتی دراین‌باره کمک کند. نه‌اینکه بخش دولتی هم فقط در اختیار افراد خاص باشد. بنابراین در این رابطه خیلی مشکل داریم چون به همه تولیدات سینمایی ما نگاهی یکسان نیست. درحالی‌که این نگاه یکسان یک زنجیره درست می‌کند. درهرحال فروش فیلم محمد(ص) امیدوارکننده است و جای تبریک هم دارد برای اینکه برای فروش بهتر فیلم‌های ما در سطح جهانی باید از این اتفاقات بیفتد. از این تهیه‌کننده می‌پرسیم چرا «شهر موش‌های۲» با تمام موفقیتش در اکران در ایران، در بازارهای خارجی عرضه نمی‌شود؟ و او دراین‌باره پاسخ می‌دهد: «ما توان پخش بین‌المللی را نداریم. نمی‌توانیم در جهان کارمان را تبلیغ کنیم، اما در ایران بدون آنکه بخش دولتی کمترین کمکی کرده باشد، با تبلیغاتی متفاوت توانستیم فروش خوبی داشته باشیم، اما در زمینه فروش در منطقه و آسیا کاری از دستمان برنمی‌آید. ما شهروند درجه سه هستیم و با آنکه تلاش هم می‌کنیم دست‌کم درجه دوم باشیم، نمی‌شود، با تمام مقاومت‌هایی که دارد می‌شود، نمی‌گذارند ما از اینکه هستیم بیشتر پیشرفت کنیم. دولتی‌ها شهروندان درجه‌یک خود را دارند و به آنها همه امکانات را می‌دهند. ما هم عادت کرده‌ایم که دیگر درجه‌یک نباشیم، اما برای درجه‌دوبودن هم فرصت‌هایمان را می‌سوزانند. دیگر خسته شده‌ایم از بس دوندگی کرده و به جایی نرسیده‌ایم، اما من خوشحالم و هر نوع موفقیتی که برای سینمای ایران باشد باعث مسرت است». در ادامه سؤال می‌کنیم: «آیا خودتان برای پخش شهر موش‌ها اقدامی کرده‌اید؟» حکمت جواب می‌دهد: «نمی‌توانیم. وقتی در یک فستیوال باید حداقل چهار بیلبورد بزنیم، سرمایه‌اش را نداریم و در آنجا نمی‌توانیم حتی یک غرفه بزنیم. ما باید خودمان خودمان را بشناسانیم، اما با کدام امکانات و توانمندی‌ها؟ این ساختار سینمایی ما بسیار معیوب است و حتی گاهی اجازه نفس‌کشیدن را هم به ما نمی‌دهند. انگار فقط همان ۱۰ نفر شهروند درجه‌یک با دراختیارگرفتن همه امکانات حق فیلم‌سازی دارند. ما در این چهار سال فقیرتر شده‌ایم چون مشکلاتمان لاینحل است و من هم با این فکر خسته راهکاری برایش ندارم».بدون‌تردید فروش بالای فیلمی چون محمد (ص) در کشور ترکیه نخستین قدم جدی اکران این فیلم سینمایی در کشوری دیگر است. تهماسب صلح‌جو، منتقد، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «وقتی این فیلم در کشوری غیر از ایران به فروش خوبی دست پیدا می‌کند، شرایط کمی فرق می‌کند و این‌گونه فیلم‌ها زمانی جایگاه سینمایی‌شان را پیدا می‌کنند که خارج از کشور تولید شده و نمایش داده شوند. اگر قرار باشد فیلم‌هایی این‌چنینی که رقم زیادی صرف ساختشان می‌شود فقط در داخل کشور نمایش داده شود طبعا فروش فیلم بستگی به میزان مخاطبانی خواهد داشت که سینما می‌روند و قطعا رقم بالایی نخواهد بود و چنین چیزی با منطق اقتصاد سینما خیلی همخوانی ندارد، اما وقتی در کشوری دیگر با مردمانی از فرهنگی دیگر مورد استقبال قرار می‌گیرد، مزیت بزرگی است. به نظرم حتی این فیلم باید در کشورهای غیرمسلمان نیز نمایش داده شود، اگر قرار است فرهنگ اسلام به روایت شیعه با این فیلم نمایش داده شود قطعا بهتر است در کشورهای غیرمسلمان هم نمایش داده شود و شاید تا به امروز هم از طرف پخش‌کنندگان کوتاهی‌هایی درباره اکران این فیلم در کشورهای دیگر صورت گرفته است».

***

اما چرا فیلمی مانند «محمد(ص)» داخل ایران به آن فروش بالایی که در جایی مثل ترکیه دیده می‌شود نمی‌رسد؟ پاسخ به این سؤال را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد. کیوان کثیریان، منتقد سینما، بر این نظر است که اصولا سینما در ایران رونق کافی ندارد. دلایل این رونق‌نداشتن طبق نگاه کثیریان اینهاست: «اولا به عنوان صنعت به آن نگاه نمی‌شود و دولت تلاشی نمی‌کند بستری برای سینما فراهم کند تا به بازار سالم عرضه و تقاضا نزدیک شود؛ ثانیا سینما مدعی زیاد دارد و این مدعیان و نهادهای موازی، آرامش را از سینما گرفته‌اند؛ هم آرامش برای سرمایه‌گذاران و هم آرامش برای مخاطبان؛ ثالثا کیفیت و تنوع فیلم‌ها به اندازه کافی مخاطبان را اقناع نمی‌کند و سلایق گوناگون را پوشش نمی‌دهد؛ چهارم آنکه ممیزی‌های سلیقه‌ای و خطوط قرمز غیرشفاف به‌گونه‌ای فیلم‌سازان را محافظه‌کار کرده که فیلم‌ها خنثی از آب درمی‌آیند، از دغدغه‌های مردم و واقعیت جامعه دور شده‌اند و طبعا جذابیتی برای مخاطب ندارند؛ پنجم اینکه سالن‌های سینما به طور متناسب در سطح کشور توزیع نشده‌اند تا دسترسی همه علاقه‌مندان سینما به فیلم‌ها شکلی پذیرفتنی بیابد؛ ششم اینکه کلیت سیستم فرهنگ، اجازه ستاره‌سازی را که لازمه صنعت سینماست به آن نمی‌دهد و به تبع آن، قهرمان هم در فیلم‌ها ساخته نمی‌شود. هفتم اینکه ممنوعیت اکران فیلم خارجی موجب شده رقابتی در کار نباشد و در این وضعیت انحصاری، کیفیت فیلم‌ها ارتقا نیابد و مخاطب هم رغبت کمتری برای سینمارفتن به خرج دهد؛ هشتم آنکه مردم هر چیزی که دستمایه سیاست و سیاست‌بازی قرار بگیرد، پس می‌زنند و علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهند. سینمای ایران درحال‌حاضر بسیار مورد توجه طیف‌های سیاسی و دستاویز نزاع‌های آنان قرار گرفته است؛ نهم آنکه به نظر می‌رسد هنوز دولت متوجه میزان قدرت نفوذ سینما و اساسا فرهنگ نشده و هنوز نمی‌داند که چیزی به نام سینما می‌خواهد یا نه. بودجه‌ای که در فرهنگ هزینه می‌شود تقریبا ناچیز، تحقیرآمیز و از دایره توجه دولت‌ها خارج است». از جانب دیگر کافی است به آمار و ارقام سینما در ایران نگاهی بیندازیم. مقایسه آن با بعضی کشورها، جای تأمل فراوان دارد: هر ایرانی به طور متوسط هر هشت سال یک بار به سینما می‌رود. از هزارو ۲۰۰ شهر کشور فقط ۶۲ شهر سینما دارند و حدود ۴۰ میلیون ایرانی شهرنشین اساسا به سینما دسترسی ندارند. کل درآمد سینمای ما سالانه ۱۲ میلیون دلار معادل ۵۵ میلیارد تومان است. طبق استاندارد جهانی، یک سالن سینما برای هشت تا ۱۰ هزار نفر است و ما، به ازای هر ۲۶۰ هزار نفر یک سالن داریم؛ یعنی حدود ۳۰۰ سالن؛ اما امارات با یک میلیون نفر جمعیت، ۳۰۰ سالن دارد و گردش مالی‌اش ۶۰۰ میلیون دلار است».

جدول فیلم محمد(ص)

تعداد سالن‌های سینما به‌ازای هر فرد در ایران	درآمد سالانه سینمای ایران
به ازای هر ۳۰۳ هزار نفر یک سالن سینما	۱۲ میلیون دلار معادل ۵۵ میلیارد تومان
تعداد سالن‌های سینما به‌ازای هر فرد در جهان	درآمد سالانه سینمای ترکیه
به ازای هر ۱۰ هزار نفر یک سالن سینما	۶۷۰ میلیون لیر
میزان سالن‌های سینما در کشور ترکیه	فروش فیلم محمد(ص) در کشور ترکیه و مدت نمایش
۲۳۵۶	۱,۱ میلیون دلار (۱۰ روز)
میزان سالن‌های سینما در ایران	فروش فیلم محمد(ص) در ایران و مدت نمایش
۲۴۷	۱۶ میلیارد تومان (۹ ماه)
درآمد سرانه در ترکیه	تعداد تماشاگران سینمای ترکیه
۱۰ هزار دلار	۵۷میلیون‌و ۱۴۸ هزارو ۱۱ نفر
درآمد سرانه در ایران	
۵ هزار و ۵۰۰ دلار	

نوشته «بنی‌اعتماد» بر نمایشگاه ۴ عکاس پیشگام زن

شرق: چهارمین نمایشگاه «تداوم» با حضور چهار عکاس پیشگام زن؛ مریم زندی، میترا محاسنی، رعنا جوادی و غوغا بیات، روز جمعه، ۲۱ آبان، در گالری شماره شش برگزار می‌شود.

هر چهار عکاس که از شناخته‌شده‌ترین عکاسان ایرانی محسوب می‌شوند، فعالیت حرفه‌ای خود را در دهه ۱۳۵۰ آغاز کرده‌اند و حال پس از ۴۰ سال در کنار هم در نمایشگاه «تداوم ۴» حضور پیدا می‌کنند. نمایشگاه «تداوم» که به کوشش گالری شش برگزار می‌شود، به تداوم در کار حرفه‌ای عکاسان می‌پردازد و تاکنون سه‌بار برگزار شده است و این‌بار به بررسی و مرور آثار چهار عکاس پیشگام زن می‌پردازد که از برجسته‌ترین عکاسان ایران محسوب می‌شوند.

در بخشی از نوشته نمایشگاه به قلم رخشان بنی‌اعتماد آمده: «سال‌های‌سال است که حضور هرکدام از آنان به‌تنهایی کافی است تا مشتاقانه کنجکاو شوی که به‌دنبال خبر بروی و مطمئن باشی که هربار از چه منظری به روزنه آگاهی و حظ هنری تو را فرامی‌خوانند و این‌بار هر چهار نفر در کنار هم؛ مریم زندی، میترا محاسنی، رعنا جوادی و غوغا بیات، چهار هنرمند نام‌آشنا در کنار هم که گزیده‌ای از آثارشان تحت عنوان «تداوم»، به همت «کتایون ده‌چمنی» در نمایشگاهی با همین عنوان و در گالری شش موقعیتی ناب فراهم می‌آورد». نمایشگاه «تداوم ۴» با نمایش گزیده‌ای از آثار چهار عکاس پیشگام زن؛ مریم زندی، میترا محاسنی، رعنا جوادی و غوغا بیات، از روز جمعه، ۲۱ آبان در گالری شماره شش آغاز و تا ۲۸ آبان ادامه خواهد یافت.

با اقتباسی از رمان «اسکار و بانوی گلی‌پوش»

«دوازده روز» روی پرده سینماهای شهر

شرق: اکران فیلم سینمایی «دوازده روز» به کارگردانی مصطفی قربان‌پور از چهارشنبه سوم آذر در سینماهای سراسر کشور آغاز می‌شود. اولین ساخته سینمایی قربان‌پور داستان پسر ۱۰ساله‌ای است که به سرطان مبتلاست و در بیمارستان فوق‌تخصصی محک بستری است. او می‌داند فرصت محدودی برای تجربه زندگی دارد. وی ارتباط نزدیک و بسیار صمیمی با یکی از مددکاران بیمارستان برقرار می‌کند و... . قربان‌پور درباره فیلم «دوازده روز» گفت: این فیلم اقتباسی است از رمان اسکار و بانوی گلی‌پوش اثر اریک امانوئل اشمیت. «دوازده روز» از هفت سال پیش تاکنون فرصت و امکان اکران نداشته و در بیست‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان سال، جایزه ویژه هیأت داوران؛ پروانه زرین و دیپلم افتخار را در بخش فیلم بلند به خود اختصاص داد.قربان‌پور درباره ویژگی‌های تکنیکی به‌کاررفته در این فیلم گفت: برای اولین بار در سینمای ایران از تکنیک رئال-انیمیشن روتوسکوپی در این فیلم استفاده شده است. به این صورت که بعد از ساخت فیلم، تعداد انتخاب‌شده‌ای از فریم‌ها پرینت گرفته شد و روی نسخه پرینت با آب‌رنگ نقاشی و سپس فریم‌ها اسکن شد. دلیل انتخاب و به‌کارگیری این تکنیک ایجاد مرز بین واقعیت و رؤیا برای شخصیت اول بوده است.«دوازده روز» به مرگ و زندگی انسان‌ها پرداخته و در این فیلم گلاب آدینه، مریم کاویانی و محمدجواد جعفرپور به ایفای نقش پرداخته‌اند. گفتنی است محمدجواد جعفرپور در بیست‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان سال، پروانه زرین و دیپلم افتخار جایزه بهترین بازیگر کودک را از آن خود کرد.

ویوین مایر به روایت یوریک کریم‌مسیحی

شرق: چهارشنبه‌های فیلم مستند مؤسسه «آپ‌آرت‌مان» این هفته (۱۹ آبان) به مستند «در جست‌وجوی ویوین مایر» اختصاص دارد و یوریک کریم‌مسیحی کارشناس این جلسه است. کریم‌مسیحی، داستان‌نویس، طراح گرافیک و منتقد هنری است؛ او در حوزه خوانش و نقد عکس کتاب‌هایی منتشر کرده که می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب «اول‌شخص مفرد؛ عکس با من چه می‌گوید، من با عکس چه می‌گویم: ۹۹ عکس، ۹۹ قصه»، «عکس و دیدن عکس»، «در جهت عکس: ۳۹ عکس، ۳۹ جستار»، «شب سپیده می‌زند: ۴۶ عکس‌فیلم، ۴۶ جستار»، «شب سپیده می‌زند، باری دیگر: ۵۵ عکس فیلم، ۴۸ جستار».

ویوین دوروتی‌مایر (یکم فوریه ۱۹۲۶ - ۲۱ آوریل ۲۰۰۹) عکاس خیابانی آمریکایی بود؛ او ۴۰ سال به‌عنوان پرستار بچه و بیشتر در محله نورت‌شور شیکاگو کار کرده و عکاسی را در اوقات فراغت خود پیگیری می‌کرد. او در عمر خود بیش از ۱۵۰ هزار عکس گرفت که تقریبا همه آنها از مردم و معماری شهرهای نیویورک، شیکاگو و لس‌آنجلس بود، اگرچه به نقاط دیگر جهان هم سفر و از آنها عکاسی کرده بود. در زندگی او عکس‌هایش ناشناخته و چاپ‌نشده باقی ماند و خیلی از نگاتیوهایش را هرگز چاپ نکرد. در سال ۲۰۰۷ ملوف، یک کلکسیونر آمریکایی، تعدادی از عکس‌های مایر را در یک حراجی تقریبا به قیمت مفت به دست آورد. در همان زمان دو کلکسیونر دیگر ران اسلتری و رندی پرو تعدادی دیگر از عکس‌ها و نگاتیوهای او را در جعبه‌ها و چمدان‌هایش پیدا کردند. عکس‌های مایر اولین‌بار در جولای ۲۰۰۸ به‌وسیله اسلتری در اینترنت منتشر شد؛ اما با بازخورد کمی مواجه شد. در اکتبر ۲۰۰۹ ملوف بلاگ خودش را به منتخبی از کارهای مایر در سایت فلیکر متصل کرد که این‌بار به‌سرعت همه‌گیر شد و هزاران نفر ابراز علاقه کردند و ستایش منتقدان و موج ابراز علاقه به کارهای مایر را در پی داشت. پس از آن کارهای مایر در آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا و آسیا به نمایش گذاشته شد و زندگی و کارهایش سوژه کتاب‌ها و فیلم‌های مستند شد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

آغاز داوری جایزه ابوالحسن نجفی

● **شرق:** نخستین جلسه هیأت داوران جایزه ابوالحسن نجفی با حضور مهستی بحرینی، عبدالله کوثری، محمود حسینی‌زاد، مژده دقیقی و علی‌اصغر محمدخانی یکشنبه ۱۷ آبان در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد. جایزه ابوالحسن نجفی از بهمن امسال و در سالگرد درگذشت استاد ابوالحسن نجفی به بهترین ترجمه رمان و مجموعه داستان کوتاه منتشرشده در سال ۱۳۹۴ اهدا می‌شود. درباره آثار رسیده به دبیرخانه جایزه در نخستین جلسه بحث و گفت‌وگو شد و بر درست‌نویسی و نثر فارسی مترجمان و امانت در ترجمه و همچنین انتخاب کتاب‌های مورد نیاز جامعه فرهنگی برای ترجمه تأکید شد.

در این جلسه، محمدخانی، دبیر جایزه، اعلام کرد دکتر امید طبیب‌زاده مبلغ ۲۰ میلیون ریال حق‌الزحمه آماده‌سازی کتاب «درسنامه وزن شعر فارسی» را به جایزه نجفی اختصاص داده و خانواده مرحوم نجفی نیز مبلغ ۴۰ میلیون ریال به برگزیدگان اهدا می‌کنند. مراسم اهدای جایزه استاد ابوالحسن نجفی شنبه دوم بهمن برگزار می‌شود. متن نامه دکتر طبیب‌زاده بدین شرح است: جناب آقای محمدخانی، معاون محترم فرهنگی شهر کتاب، با سلام، چنان‌که مطلع هستید استاد ابوالحسن نجفی در واپسین ایام حیات خود نسخه‌های دست‌نوشت دو اثر گران‌قدر خود را به بنده سپردند تا آماده انتشار کنم. یکی از آن آثار با عنوان «وزن شعر فارسی (درسنامه) » اخیرا منتشر شده است و دیگری نیز با عنوان «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی»، که حاصل بیش از ۴۰ سال تحقیق مستمر و بی‌امان استاد بوده است، ان‌شاءالله به‌زودی منتشر خواهد شد. بنده بدین وسیله مبلغ یک‌میلیون‌و ۷۰۰ هزار تومان حق‌الزحمه خود بابت آماده‌سازی کتاب «وزن‌شعر فارسی (درسنامه)» را در اختیار جناب‌عالی و بنیاد جایزه ابوالحسن نجفی قرار می‌دهم تا من‌باب بخشی از جایزه به برگزیدگان جایزه ابوالحسن نجفی (برای بهترین ترجمه رمان و داستان کوتاه) اهدا شود. همچنین مبلغ ۳۰۰ هزار تومان نیز به مبلغ فوق اضافه خواهد شد تا در مجموع مبلغ دو میلیون تومان برای تخصیص جایزه در اختیار جناب‌عالی و بنیاد ابوالحسن نجفی قرار گیرد. پیرو گفت‌وگوهای قبلی با جناب‌عالی و نیز با جناب حسن کریمی، مدیر محترم انتشارات نیلوفر، سهم بنده از چاپ نخست این کتاب و چاپ‌های بعدی آن مبلغ شش درصد قیمت پشت جلد کتاب خواهد بود که آن نیز تماما متعلق به جایزه ابوالحسن نجفی خواهد بود تا در دوره‌های بعد به برگزیدگان این جایزه تقدیم شود. ممنون می‌شوم اگر جناب‌عالی و دیگر اولیای محترم بنیاد جایزه ابوالحسن نجفی لطف کنید و پیگیری این مطالبات را در آینده نیز به عهده بگیرید. امیدوارم بتوانم از این طریق سهم کوچکی داشته باشم در زنده‌نگاه‌داشتن راه و یاد استادم ابوالحسن نجفی که آرزویی جز اعتلای زبان فارسی و فرهنگ ایرانیان نداشت».

معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی

تیزرهای تلویزیون شبیه ضدتبلیغ است

● حبیب ایل‌بیگی، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی، با حضور در جشنواره مطبوعات درباره تبلیغ فیلم‌های سینمایی در صداوسیما، ساخت فیلم جدید مهران مدیری، وضعیت محمد امامی، تهیه‌کننده «شهرزاد» و... با «ایسنا» گفت‌وگو کرد. به گفته ایل‌بیگی، صداوسیما برای تبلیغ فیلم‌های آمریکایی آنونس‌های طولانی پخش می‌کند، اما برای تبلیغ فیلم‌های ایرانی با یک تیزر ۲۵ ثانیه‌ای کاری می‌کنند که بیشتر به ضدتبلیغ شبیه می‌شود. معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی ضمن فرق قائل‌شدن صداوسیما در تبلیغ فیلم‌های ایرانی و آمریکایی می‌گوید: «تلویزیون به‌جای پخش فیلم‌های ایرانی، کلی فیلم آمریکایی پخش می‌کند و به شیوه‌ای آنونس تبلیغاتی برای آنها روی آنتن می‌برد که خیلی‌ها ترغیب می‌شوند، آنها را ببینند درحالی‌که برای یک فیلم سینمایی ایرانی، ۲۰ تا ۲۵ ثانیه تبلیغ اختصاص می‌دهند و آن‌قدر نظرات خاص و اصلاحات برای این تبلیغات دارند که تیزر تبلیغاتی به ضدتبلیغ تبدیل می‌شود، به‌طوری‌که مخاطب اصلا متوجه نمی‌شود، این فیلم درباره چیست و چه گروه سنی‌ای را می‌تواند مخاطب خود قرار دهد».

فلسفه در سخن می‌آمیزد

● خاقانی یکی از سردمداران ستیز با فلسفه و فلاسفه در قرن ششم است و شاید بتوان گفت که در تاریخ ادبیات ایران از این حیث بی‌نظیر است. در میان اشعار شاعران کلاسیک فارسی، یکی از قصاید خاقانی با مطلع «چشم بر پرده امل منهید/ جرم بر کرده ازل منهید» در فلسفه‌ستیزی جایگاه ویژه‌ای دارد و تأکید می‌کند که فلسفه در سخن می‌آمیزد. سی‌ونهمین و چهلمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره خاقانی در روزهای چهارشنبه ۱۹ و ۲۶ آبان ساعت ۱۶:۳۰ به بررسی فلسفه از نگاه خاقانی اختصاص دارد که با سخنرانی دکتر اصغر دادبه در مرکز فرهنگی شهر کتاب، خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.